

## سوگند به ننگ و خواندن ننگ نامه برای آرمزش روان مردگان یعنی چه؟

آله دال فك

خواندن کلام الله برای آرمزش روان مردگان است یا آزردن روان آنها آیا سوگند به ننگ ارجگذاری بر ننگ نیست؟

با درودی اذیل برخاسته و با آرزوی آگاهی و کوشش برای آزادی پس از يك پژوهش ژرف در کلام الله بروشنی دریافتیم اسلام و شیعه گری دین نیست که ابزاری برای غارتگری بوده و کوچکترین ردپایی از آزادی، برابری، آزاداندیشی در آن دیده نمیشود. رهاوردش سرفرود آوردن بی چون و چرا در برابر اندیشه های واپسگرایانه ۱۴۰۰ سال پیش از این تازیان بیابانگرد که گفته میشود فرمانی الهی است و تا پایان جهان دگرگون پذیر نمیباشد.

الله، رسول الله و ولی الله اش گردنه بند، کشتارگر، راهزن، دروغوی بزرگ، دشمن آزادی و آزاداندیشی میباشد که خود همه این تبهکاریها را گردن فرازانه در کلام الله خویش اعتراف نموده و بدان بالیده اند.

رهاوردشان پستی پذیری، غلامی، بردگی، بندگی، کنیزی و ندادن پروانه پرسش که معنی این سیه کاریها چیست؟

چرا اینهمه آزادی کشتی بنام دین و خدا، چرا این همه دروغهای بزرگ ناپذیرفتنی آمده در کلام الله آنهم از زبان الله را وادار نموده اند که مردم برای آرمزش روان مردگان خود بخوانند و یا به آن دروغها سوگند یاد کنند؟

اگر آگاهانه و خردمندانه الله خدای دروغین تیره قریش و رسول الله و ولی الله او این سه یار غداره بند، گردنه گیر تازی و دشمنان شناخته شده سرسخت آزادی اندیشه و بدبختی آفرینان بزرگ جهان هستی را نشناسیم که نافر هنگشان چشمه خورشید را تیره و تار نموده است چگونه میتوانیم راهی برای رهائی از این بند گران ۱۴۰۰ ساله دست و پا کنیم. برای شناختن آنها چه بن مایه ای بهتر از همین کلام الله است.

اگر به بن مایه های انکار ناپذیر گردنه بندی، راهزنی، کشتار، تاراج، ربودن زنان همسردار و بی همسر، دختران و پسران جوان که زیر نام اسلام و مسلمانی در کلام الله آمده است دیدی نیفکنیم؛ اگر بخش بندی زنان و مردان آزاد و نآزاد و کنیز و غلام و برده آمده در کلام الله به گفته ای آسمانی را بررسی نکنیم؛ اگر بینشمندانه در نیابیم که آن تبهکاران خدا و رسول و ولی الله دروغینی بیش نبوده اند و نیستند که محمد تازی در پی فزونخواهیهای خود بنده ای بنام الله آفریده و جهانی را زیر نام او به خاک و خون کشیده اندیشه و آزادی و شادی و بهزیوی را در تاربخانه های اسلامی زندانی نموده است؛ نه تنها خرد و آزادی را شناخته ایم که از شناختن خویشان نیز ناتوانیم.

تا آیت الله های دستار بند سیاه و سفید انبرانی این نمادهای بت الله و ارجگذاران پیروزی تازیان بر مبین ما را نشناسیم که چه جانوران خرد خوار و درنده خو و چگونه گرگان خونخوار به پوشاک میش در آمده ای هستند که پیشینه زندگی کرم گونه آنان گواه بارز دغلبازی، ریاکاری و فریب دادن است که در همه زندگی نکبت بار خود کوشیده اند و میکوشند تا مردم با فرهنگ شکست خورده ایران، در يك نبرد نظامی از تازیان را با بگردن نهادن دین و مذهبی من در آوردی که با هیچ خرد و اندیشه ای برابری ندارد در چاهی ژرف گمراه نگاه دارند که شوربختانه ما زاده شدگان در همان چاه ژرف گمراهی و ناآگاهی دستاورد اینان هستیم.

۱۴۰۰ سال است بنام دین و مذهبی ناپذیرفتنی ما را افسون کرده اند تا مبادا روزی بیدار و هشیار و آگاه گردیم که دکان چهارنیش مغز خواری و خردستیزی و پایگاه تازی پرستی آنان «مسجدها» بسته شوند، الله شان بی برده و بنده و کنیز و غلام گردد و نان آیت الله ها بی روغن بماند.

اگر امروز هم که دانش بشری فضا را تسخیر نموده و کهکشانها را یکی پس از دیگری درمی نوردند، دیده نگشائیم تا درستیاها را دریابیم که بتوانیم از بند این اهریمنان دشمن آشتی ناپذیر خرد و آزادی رها گردیم. هرگز امید رهائی نخواهیم داشت. بر باور من با بهره گیری از داده های خودشان باید به آنها بفهمانیم که بخوبی دریافته ایم دروغ میگویند، رهاورد دینی تان نادرست و ناپذیرفتنی است، الله شما برابر کلام الله خودش نه تنها از بزرگترین دروغگویان که یکی از ناآگاه ترین نا آگاهان است که در سخنرانی پیش به گسترده آورده ام.

رسول الله؛ آفریننده الله است و الله لال بی زبان؛ هم بنده آل محمد است. آیت الله ها نیز پشتیبان آن دروغوی بزرگ «محمد» تازی و گسترش دهنده آرمان دروغین او از زبان الله، در راه سودجویی هرچه بیشتر خویش در گمراه نگاهداشتن ما هستند.

برای آشنائی بیشتر با آرمان الله و رسول الله بخشهایی به نمونه مشت از خروار از کلام الله را پیشیاره میکنم. بشنوید، بخوانید، دریابید، داوری کنید. آنگاه راه راست را خود برگزینید و بدانید که پیوند شما با اشیا یا خدای راستین نیازی به میانجیگری ندارد و يك خواسته و اراده صد درصد شخصی است که سود و زیان آن تنها و تنها از آن خود شماست نه کسی میتواند باری از دوش شما بر دارد و نه باری بگذارد.

به آنچه که بدان سوگند یاد میکنیم با دیدی ژرف تر بنگریم تا دریابیم معنی گفتارمان چیست؟ و به آنچه که بر باور آرمزش روان مردگان خود با زبان تازیان میخوانیم، بیشتر ببیندیم آیا آرمزنده روان مردگان است یا آزرنده روان آنان؟ بیانیم پس از ۱۴۰۰ سال فرمانبرداری کورکورانه و خواندن قرآن با زبان تازی و دریافتن درون مایه آن، با این کلام الله و الله فرستنده آن بیشتر آشنا شویم.

قرآن ترجمه به فارسی مهدی الهی قمشه ای گواهی شده وزارت ارشاد جمهوری اسلامی را که زیر شماره/۶۲ بتاریخ ۱۳۶۷/۳۱/۳ - به ثبت رسیده است ، بخوانیم تا بی هیچ دودلی دریابیم که چه میخوانیم و چرا میخوانیم.

آنچه را که زیر نام کلام الله آسمانی بدان سوگند یاد میکنیم و یا براین باور میخوانیم که روان گناهکار مردگان ما بخشوده گردد. دستکم خود دریابیم آیا خواندن فرازهایی درباره رفع عزوبت و یا زیباترین فرج ها و بریدن پای شتر صالح و و کوچترین پیوندی با خواسته های ما دارد؟

آیا سوگند به نادرستیها و زشتکاریها و دروغگوئیهای آمده در کلام الله، برای انجام دادن کارهای درست خردمندانه است؟

آیا برشمردن یکایک تباہکاریهای ددمنشانه و داستان دلدادگیها یعنی «عشق بازیها» به نمونه عشق زلیخابه یوسف با داستان همخوابگی محمد با همسرانش و دیگر زشت کاریهای آمده در آیه هائیکه بنام کلام الله میخوانیم و در نمی یابیم چیست؟ میتواند بار گناهان مردگان ما را سبک کند و یا ما را پای بند بر پیمان و دوستی نماید؟

مهمتر از همه دریابیم مردگان ما که زیر بار ننگ بردگی و غلامی و کنیزی تازیان نرفته و تن به سجده کردن بر بت الله نداده اند آیا گناهکارند که با خواندن اینگونه مهملات باید از بار گناهانشان کاسته گردد؟

اگر با بهره گیری از خرد و بدور از کوردلی تازی پرستی دریافتیم که خواندن این گونه افسانه های سراپا دروغ تازیان آمده در کلام الله درباره آنچه که ما خواستاریم سودمند است برای همیشه بخوانیم و اگر دریافتیم که ناآگاهانه ابزار دست سودجویان دینی قرار گرفته ایم تا درگمراهی و نادانی هر چه بیشتر بسربریم و ستایشگر روان دشمنان تاریخ و فرهنگ نیاکان خود باشیم و در همان چاه ژرف بیخردی سرگردان بمانیم. خردمندانه و آگاهانه از خواندن آن دوری گزینیم و سود و زیانش را به روان آورنده اش واگذاریم.

حال این شما و اینهم بخشی کوچک از آنچه که بدان سوگند یاد میکنیم و یا برای آموزش روان مردگان بیگناه خود میخوانیم.

با زنان مشرک ازدواج نکنید همانا کنیزی با ایمان بهتر از زن آزاد مشرک است هر چند از حسن او به شگفت آید. بنده مومن بهتر از آزاد مشرک است هر چند از مال و جمالش بشگفت آید. سوره ۲ آیه ۲۲۱

و سوال کنند تو را از عادت شدن زنان بگو آن رنجی است برای زنان در آن حال از آنان دوری گزینید. سوره ۲ آیه ۲۲۲

زنان کشتزار شما پس برای کشت به آنها نزدیک شوید. سوره ۲ آیه ۲۲۳

زن هائیکه طلاق داده شده از شوهر نمودن خودداری کنند تا سه پاکی. مردان را بر زنان فزونی خواهد بود. سوره ۲ آیه ۲۲۸

مردانیکه بمیرند و زنانشان زنده باشند آن زنان باید از شوهر کردن خودداری کنند تا مدت چهارماه و ده روز. سوره ۲ آیه ۲۳۴

اگر دو مرد نیابید یک تن مرد و دو زن را گواه گیرید. سوره ۲ آیه ۲۸۲

**سوگند به کنیزک با ایمان و بنده زیبارو، یا عادت ماهیانه زنان و اینکه زنان کشتزار شما پس و زمان عده زنان شوهرمرده و و ... با خرد برابری دارد؟**

آیا کسی حاضر است این فرازها را به فارسی بر روان مرده خود بخواند و خواهان آموزش او گردد؟

حکم خدا درباره فرزندان شما اینست که پسران دو برابر دختران ارث برند. سوره ۴ آیه ۱۱

و نکاح با زنان محصنه یعنی «شوهدار» نیز برای شما حرام شد مگر آن زنانیکه در جنگهای با کفار مالک و متصرف شده آید. سوره ۴ آیه ۲۴

هرکه را وسعت آن نباشد که زنان پارسای با ایمان و آزاد گیرد پس با کنیزان مومنه که مالک آن شدید بزنی اختیار کنید و یا با کنیزان مومنه با ان مالکش ازدواج کنید. این حکم کنیز را بزنی گرفتن درباره کسی است که بترسد مبادا برنج افتد «یعنی بزحمت عزوبت یا گناه زناکاری افتد» اگر صبر کنید تا وسعت یافته زنی آزاد بگیریید بهتر است. سوره ۴ آیه ۲۵

آیا خواندن اینکه آزاد هستید با زنان همسر دار بدست آمده در جنگ همبستر شوید. یا با کنیزان با ان مالکش ازدواج کنید، چنانکه گویی کنیز نگون بخت کالانی بیش نیست. یا با کنیزان ازدواج نکنید مگر برای رفع عزوبت. آیا روان مردگان آمرزیده میشوند یا برای سوگند ارزشمند است؟

مردان را بر زنان تسلط و حق نگهبانی است بواسطه برتری نیرو و عقل... زنان نافرمان را به زدن تنبیه کنید. سوره ۴ آیه ۳۴

به مریم زیباترین فرجها را دادیم و پاکیزه داشتیم و روح خود را در آن دمیدیم. سوره ۲۱ آیه ۹۱ و ۶۷ آیه ۱۲

داستان به چاه انداختن یوسف پسر یعقوب بدست برادرانش و رهایی او از سوی کاروانیان و به غلامی گرفتن و فروختن به عزیز مصر و داستان دلدادگی زلیخا به او. سوره ۱۲ آیه های ۱ تا ۳۳

داستان دلدادگی داود یکی از پیامبران یهود با زنی همسردار که نام همسراو، اوریا آمده است. سوره «ص» آیه های ۲۱ تا ۲۶

داستان دلدادگی عایشه همسر محمد با صفوان. سوره ۲۴ «النور»

داستان دزدیدن بلقیس ملکه صبا از سوی سلیمان یکی از پیامبران دیگر یهود و کشانیدن او به زن سرائی که یکصد زن دیگر در بند او بسر میبردند. سوره ۲۷ آیه های ۲۱ تا ۴۴ و ۳۸ آیه ۳۴

داستان دلدادگی محمد بر زینب همسر زید پسر خوانده اش. که الله میگوید ( آنچه در دل پنهان میداشتی که زینب را بگیری و حرمت ازدواج با زن پسر خوانده را که در جاهلیت بود، منسوخ کنی. خدا آشکار ساخت و تو از مخالفت و سرزنش خلق میترسیدی و از خدا سزاوارتر بود بترسی. حال که زید از او کام دل گرفته و طلاق داده ما به عقد تو در آوریم. سنت الهی در میان آنانکه در گذشتند هم اینست که انبیا را توسعه در امر نکاح و تحلیل برخی محرمات است. سوره سی و سوم آیه های ۳۷ - ۳۸ که میدانیم محرمات مادر و خواهر و برادرزاده و خواهرزاده هستند که برخی انبیا آزادند.

خواندن آیه های شرم آور زدن زنان با چوب، زیباترین فرج ها، دلدادگی زلیخا به یوسف، یا همبستر شدن داود با زنی همسردار، دل بستگی عایشه همسر محمد به صفوان، دزدیدن بلقیس از سوی سلیمان، دلدادگی محمد بر زینب همسر پسر خوانده خود، هم خوابگی انبیا با محارم. کدامش آمرزنده روان مردگان هستند و ارزش یاد نمودن سوگند دارند؟

ای پیغمبر گرامی ما زنانی که مهرشان ادا کردی بر تو حلال کردیم و کنیزانی را که خدا به غنیمت تو را نصیب کرد و ملک تو شد و نیز دختران عمو و دختران عمه و دختران خالو و دختران خاله آنها که با تو از وطن خود هجرت کردند و نیز زن مومنه ای که خود را به رسول بی شرط و مهر ببخشد و رسول هم به نگاهش مایل باشد که این حکم هبه و بخشیدن زن و حلال شدن او مخصوص تو است، دون مومنان... این زنان همه را بر تو حلال کردیم و تو را مانند مومنان امت به احکام نکاح مقید نکردیم بدین سبب بود که بر وجود عزیز تو در امر نکاح هیچ حرج و زحمتی نباشد. سوره ۳۳ آیه های ۵۰ - ۵۱

کنیزکان خود را که مایل به زنا نیستند جبرا وادار به زنا نکنید، هر کس که آنها را اکراه به زنا کند. الله در حق آنها که مجبور بوده اند آمرزنده و مهربان است. سوره ۲۴ آیه ۳۳

و نباید هرگز رسول خدا را بیازارید و نه پس از وفات هیچگاه زنانشان را بنکاح خود در آورید که این کار نزد خدا گناهی بسیار بزرگ است. سوره ۳۳ آیه ۵۳

آیا سوگند به اینکه همه زنان همسردار و بی همسر بر محمد حلال هستند و زنان مومنه میتوانند خود را بی شرط و مهر به رسول ببخشند، رسول نیازی به ازدواج ندارد ولی کسی نباید پس از مرگ محمد هم با یکی از زنان او ازدواج کند؟

یا کنیزان را با زور وادار به زنا نکنید. چه پیوندی بر پای بندی بر پیمان و سوگند و آمرزش روان مردگان دارد؟

ای پیغمبر گرامی برای چه آنرا که خدا بر تو حلال فرموده تو بر خود حرام کردی تا زنان را از خود خشنود سازی در صورتیکه خدا آمرزنده و مهربان است. ( روزی حفصه با اجازه رسول به خانه پدرش عمر رفت، پیغمبر با ماریه در حجره او خلوت کرد ناگه حفصه رسید و غوغا برانگیخت که نوبت مرا با کنیزی خلوت کردی و آبروی مرا نزد زنان بردی. حضرت برای خشنودی او فرمود من ماریه را بر خود حرام کردم ولی این سر نزد توست با هیچکس مگوی. او بفرور عایشه را هم آگه ساخت او هم با رسول راجع به ماریه گفتگو کرد. حضرت بر عایشه نیز سوگند خورد که ماریه را ترک گوید آن دو زن شاد شدند و این آیه نازل گردید. )

خدا حکم کرد بر شما که سوگندهای خود را به کفار بگشائید و مولای شما بندگان است و هم او بهر چیز عالم دانا و به حکمت امور خلق آگاه است.

وقتی پیغمبر با بعضی زنان خود (یعنی با حفصه سخنی راجع به ماریه یا ریاست ابوبکر و عمر) به راز گفت آن زن چون خیانت کرده و دیگری (یعنی عایشه) را بر سر پیغمبر آگه ساخت خدا برسولش خیر داد و او بر آن زن برخی را اظهار کرد و برخی را از کرم پرده داری نمود و اظهار نکرد. آن زن گفت رسولا تو را که واقف ساخت (که من سر تو بر کسی فاش کرده ام). رسول گفت مرا خدای دانای آگاه خبر داد. اینک اگر هر دو زن بدرگاه خدا توبه کنید رواست که البته دلهای شما خلاف رضای پیغمبر میل کرده است و اگر با هم بر آزار او اتفاق کنید باز هرگز بر او غلبه نکنید که خدا یار و نگهدار اوست و جبرئیل امین و مردان صالح با ایمان (یعنی علی بروایت عامه و خاصه) و فرشتگان حق یارو مددکار اویند. امید هست که اگر پیغمبر شما را طلاق داد خدا زانی بهتر از شما بجایتان با او همسر کند که همه با مقام تسلیم و ایمان و خضوع اطاعت کنند و اهل توبه و عبادت باشند و رهسپار (طریق معرفت) چه بکر چه غیر بکر. سوره ۶۶ آیه های ۱ - ۵

درست به درونمایه این آیه ها توجه کنید که چگونه رسول الله به حفصه كلك زده در نوبت همخوابگی او با ماریه کنیز همبستر شده، زمانی که رازش از سوی حفصه فاش گردیده برای او سوگند یاد نموده است که اگر این راز را پنهان دارد، رسول ماریه را بر خود حرام و پدرحفصه عمر را خلیفه خواهد کرد.

آنگاه که حفصه این راز را به عایشه میگوید و محمد مورد اعتراض عایشه قرار میگیرد همین سوگند را هم برای او یاد میکند و با او هم پیمان می بندد که ماریه را بر خود حرام و پدر او ابوبکر را پس از خود خلیفه کند.

چون نمیتوانسته به چنین سوگندهائی پای بند باشد که آن هر دو را بتواند خلیفه کند، پیمان شکنی کرده و از بنده خود الله یاری خواسته. او هم آیه ای نازل کرده است که سوگند هایش را به کفار بکشند، زیرا الله و همه همدستانش در سوگند به دروغ و پیمان شکنی یارمحمد هستند.

آنچه در این میان حائز اهمیت میباشد این است، با اینکه آن راز را حفصه به عایشه و عایشه به محمد گفته است ولی محمد میگوید که این راز را الله دانا و آگاه به من خبر داده است.

با اینکه این سخن محمد دروغی آشکار است. اگر سخن این ارباب الله را باور کنیم در بندگی الله بر محمد و آل محمد جای کوچکترین دودلی برجای نمی ماند چون آشکارا می بینیم که الله همچون موم در دستان محمد نرم و فرمانبردار است و همیشه و در همه جا تسلیم اراده او میباشد.

در سوره ۳ آیه ۱۵۹- الله به محمد میگوید:

برای دل جوئی آنها در کار جنگ مشورت نما لیکن آنچه خود تصمیم گرفتی با توکل به خدا انجام ده که خدا آنان که بر او اعتماد کنند دوست دارد و یاری کند.

درست توجه کنید: سوگند به پیمان شکنی محمد که در نوبت همخوابگی حفصه دختر عمر، با ماریه کنیز همخوابه شده. سوگند به سوگند دروغی که محمد برای همسرانش یاد کرده تا ماریه را برخورد حرام کند و نکرده. سوگند به پیمان دروغینی که با زانش بسته تا پدران آنها را پس از خود خلیفه کند که با کفار شکسته. سوگند به دروغ بزرگی که محمد به حفصه گفت که آن راز را خدا به من خبر داده، که عایشه گفته بود، تا چه اندازه با خرد برابری دارد؟ سوگند به مشورت کردن محمد در راه جنگ با پاران و فریب دادن آنها و عمل نکردن به آن که همه این فریبکاریها بدستور الله انجام گردیده خردمندانه است، یا بدین انگیزه گناه مرده ای بخشوده میگردد؟

و چون فرشتگان بصورت جوانان زیبا به خانه لوط درآمدند قوم لوط آگاه شده و به قصد عمل زشتی که در آن سابقه داشتند بسرعت بدرگاه او وارد شدند. لوط به آنها گفت این دختران من برای شما پاکیزه و نیکوترند از خدا بترسید و مرا نزد مهمانان بعمل زشت خود خوار و سرشکسته مکنید. قوم لوط گفتند ما را را رغبت و میلی به آن دختران نیست و تو بخوبی میدانی که مطلب ما چیست. فرشتگان به لوط گفتند نترس آنها به ما دسترسی ندارند و ما هم آنها را سنگباران و نابود کردیم و زن لوط هم که اهل لواط بود نابود شد. سوره ۱۱ آیه های ۷۷ تا ۸۳ و سوره ۱۵ آیه های ۵۹ تا ۷۱.

آیا خواندن داستان لواط قوم لوط پیغمبر و همسرش آنها با زبان تازیان و فهمیدن و پیشکش کردن لوط دخترانش را به لواط گران. میتواند آمرزنده روان مردگان باشد یا سوگند بدان باورپذیر و خردمندانه است؟

و البته مردان بی زن و زنان بی شوهر و کنیزان و بندگان خود را به نکاح یکدیگر درآورد تا در میان مومنین مرد بی زن و زن بی شوهر باقی نماند. سوره ۲۴ «نور» آیه ۳۲

درست به دادگری الله توجه کنید که کنیزان و بندگان تنها میتوانند با یکدیگر از دواج کنند نه با دیگران. آیا این الله يك اهریمن نیست که محمد او را در پوشاک خدا درآورده است؟

ما برای امتحان آنها ناقه صالح را بدرخواست آنها از سنگ بیرون فرستادیم و صالح را گفتیم مراقب حال شان باش و برای آزارشان صبر پیشه گیر و به آنها خبرده که آب چشمه بین شما و ناقه تقسیم شده که يك روز سهم ناقه و روزی برای شماست. آن قوم شقی صاحب و رئیس خود را خواندند تا مجهز شده ناقه را پی کرد و ما بر هلاك آنها يك صیحه عذاب آسمانی فرستادیم و همه مانند گیاه خشك شدند. سوره ۵۴ آیه های ۲۷ تا ۳۱ و سوره ۹۱ آیه های ۱۱ تا ۱۵

آیا سوگند به پای بریده شتر صالح میتواند کسی را پای بند به پایداری در نگرهبانی از مرزبوم کشور کند که همه سران کشور از پادشاه و امیران ارتش تا سرباز و نمایندگان مردم در مجلس شور ایملی و سنا بدان سوگند یاد مینمایند و در نمی یابند چیست و یا درمی یابند وزیر سیلی رد میکنند. چنین سوگندهائی ننگ آور نیست؟

از سوگند که بگذریم آیا خواندن داستان پی کردن پای شتر صالح میتواند روان مردگان را از بند رهائی بخشد؟ با امید بر بیداری و بهره گیری از خرد و رهائی از بند الله و رسول الله و ولی الله و آیت الله و کلام الله.

و خدا رزق بعضی از شما را بر بعض دیگر افزونی داده آنکه رزقش افزون شده بزیردستان و غلامان زیاده را نمیدهد تا با او مساوی شود. سوره ۱۶ آیه ۷۱

خدا مثلی زده بشنوید آیا بنده مملوکی که قادر بر هیچ حتا بر نفس خود نیست با مردی آزاد که ما به او رزقی نیکو و مال حلال بسیار عطا کردیم که پنهان و آشکار هر چه میخواید انفاق میکند یکسانند؟ هرگز یکسان نیستند. سوره ۱۶ آیه ۷۵.

و خدا مثلی زده بشنوید دو نفر مرد یکی بنده ای باشد گنگ و از هر جهت عاجز وکل بر مولای خود و از هیچ راه خیری به مالک خویش نرساند و دیگری مردی آزاد که بر خلق فرمان دهد. آیا این دو نفر یکسان هستند؟ هرگز یکسان نیستند. سوره ۱۶ آیه ۷۵

... و از بردگانتان آنانکه تقاضای مکاتبه کنند یعنی خواهند که خود را از مولا به مبلغی مشروط یا مطلق خریداری کنند تقاضای آنها را اگر خیر و صلاحی در ایشان مشاهده کنید بپذیرید. سوره ۲۴ آیه ۳۳

آیا ارج گذاری بر برده داری و غلام بارگی میتواند ما را پای بند به آزادی کند تا بدان سوگند یاد کنیم؟ نابخردانه تر از این سوگندی هست؟ آیا خواندن آرمان برده داری امرزنده روان مردگان است؟

یکی از دردناکترین دستورات الله همین برده داری آمده در کلام الله است که يك بنده مومن دربند. بنده مومن دیگر جز به پنج گونه هرگز نمیتواند از بند مالک خود رهایی یابد.

۱- یا مالکش باید بنده مومنی را به اشتباه بکشد تا یکی از چندین بنده مومن خود را آزاد کند، آنهم نه بنده غیر مومن. سوره ۴ آیه ۹۲

۲- یا مالک بنده ای باید «ظهار کند» یعنی به همسرش بگوید تو به منزله مادر من هستی که دیگر نتواند با او همخوابه شود ولی بعدا پشیمان گردد. پیش از مجامعت با او ناگزیر باشد که یکی از بندگان مومن خود را آزاد کند، آنهم نه بنده غیر مومن. سوره ۵۸ «المجادله» آیه ۳

۳- یا برده ای باید بتواند مالک خودش را راضی کند و خودش را از مولایش به مبلغی بخرد. سوره ۲۴ آیه ۳۳

۴- یا مالک بنده ای به کفاره سوگند دروغ، بنده مومنی را آزاد کند. سوره ۵ آیه ۸۹

۵- اگر چنین رویدادهایی روی ندهد بنده مومن نگون بخت باید همچنان دربند مالک مومن خود بماند تا بمیرد و آزاد گردد که این آخرین راه آزادی اوست.

آیا با این بن مایه های استوار کسی هست که منکر برده داری در آئین اسلام ناب محمدی بشود و بگوید که پایه و اساس اسلام بر برده داری و غلام بارگی و کنیزبازی نیست؟

اگر چنین کسی هست و شهادت آنرا دارد که آیه ای از این گونه آیه های آمده در کلام الله را رد کند، مهرورزیده دیدگاهش را با نوشته اعلام کند.

برای بردگان و بندگان غیر مومن و کنیزان دربند کوچکترین راه رهایی از بند نیست باید همچنان در بند بمانند تا بمیرند.

شگفتا الهی که برابر اعترافات بیشمارش در همین کلام الله، تمام زمان ۲۴ ساعت خود را در رحم زیبایی زنان میگذراند تا تخمک ها را جابجا و چهره ها را زشت یا زیبا بسازد آنچنان با زنان دشمنی دارد که نه تنها آنها را به نیمی از مردان در آورده، نه تنها آنها را همچون کالا ملک متصرفی مالک میداند که کوچکترین توجهی به آزادی يك کنیز دربند نکرده است تا به مالک او هم بگوید بالا غیرتا در پایان بهره برداری و تن فروشی و بروزگار پیری رسیدن کنیزی را هم از بند آزاد کند؟

محمد رسول الله که برابر آیه ۱۴ و ۱۶۳- از سوره ۶ و آیه ۹۲ از سوره ۲۷ و آیه ۱۱ از سوره ۳۹ و آیه ۳- از سوره ۱۰۶ و دهها آیه دیگر میگوید من مامورم تنها از فرمان این الله پیروی کنم. پیام آور چنین ارمغانی برای امت اسلامی و مردم به بند کشیده شده ایران بویژه زنان است، که پس از ۱۴۰۰ سال از گذشت این پیام آوریسیه نامه هنوز هم در نمازهای شبانه روزی خود ناآگاهانه گواهی میدهند، آری ما میدانیم که او رسول الله است؟

الهی که هیچیک از فرمانهایش با حقوق انسانی برابری ندارد. درباره مردم چنین می اندیشد. ما هیچ پیغمبری به هیچ شهرو دیاری نفرستادیم مگر آنکه اهلش را به شادان و محن مبتلا ساختیم تا مگرتوبه کرده و بدرگاه خدا تضرع و زاری کنند: سوره ۷ «اعراف» آیه ۹۴

و اگر خدا روزی بندگان را وسیع و فراوان کند در روی زمین ظلم و طغیان بسیار کنند. سوره ۴۲ «شوری» آیه ۲۷

هیچ رنج و مصیبتی به شما نرسد مگر به فرمان الله. سوره ۶۴ «تغابن» آیه ۱۱

سوگند به این بلد ( مکه معظم و مسجد کعبه محترم) یاد نکنم و حال آنکه تو ای رسول گرامی در این بلد منزل داری قسم به آن پدر بزرگوار انسان آدم صفی و فرزندان خداپرست او که ما نوع انسان را به حقیقت در رنج و مشقت آفریدیم و به بلا و محنتش آزمودیم که روز و شبی بی غم و رنج و زحمت بسر نبرد و به آلام طبیعت و امراض و اندیشه و اندوه و خوف و خطر عمر گذراند آیا انسان به این ناتوانی پندارد که هیچکس بر او توانایی ندارد و فوق او قدرتی نیست؟ زهی غرور و جهالت. سوره ۹۰ آیه های ۱ تا ۵

آیا این جانور درنده دشمن آشتی ناپذیر شادی و شادمانی نیست؟ آیا از مهر و دوستی و آزادی چیزی را دریافته است؟

با همه فرمانهای نابخردانه آمده در کلام الله او و با همه دروغهایی که بنام کتاب آسمانی بافته است، وقیحانه در استوار نگاهداشتن دستورهای ضد مردمی خود به رسولش چنین میگوید: هیچکس کلمات الله را تغییر نتواند داد. سوره ۶ « انعام » آیه ۳۴

پس تو هرگز تابع کافران مباش و با آنها چنانکه مخالفت با قرآن و دین کنند سخت جهاد و کارزار کن. سوره ۲۵ « فرقان » آیه ۵۲  
همه جنگهای خونین و گردنه بندی های الله و رسول الله او که در سخنرانیهای بعدی خواهد آمد در راستای زنده نگاهداشتن همین رهاورد اهریمنی است که از دید الله و رسول او، راستی و درستی و حق و حقیقت است.

آیا امام علی و فرزندان، امام حسین، ابوالفضل، عمر، عثمان، جعفر، اکبر، اصغر و و و که سر و جان خودشان را در راه اسلام از دست داده اند برای زنده نگاهداشتن همین آرمان نبود که بیخردان در بزرگداشت از آنان کارد بر کله میگویند؟

برخی از زنان سفره انداز ناآگاه برای رسیدن بر نیازهای روانی خود که هیچگاه هم بدان ها نرسیده اند و نخواهند رسید، سفره حضرت عباسی را می گسترانند که او نه تنها دستها که سر و جانش را نیز در راه زنده نگاهداشتن آئین شوم اسلام از دست داد. اسلامی که بانوی ایرانی را از تخت پادشاهی بزیر کشید و به پستوی خانه ها کشانید و ضعیفه و کنیزش کرد، بی خرد خواند و کارخانه جوجه کشی راه انداخت، شرم آور نیست؟

با اینکه در سال ۱۸۷۸ ترسائی منع گسترش برده داری در ژنو به تصویب رسید و دولت قاجاریه با همه فشاری که از سوی آیت الله ها وارد میشد بر آن پیوست تا این لکه سرا پا ننگ رهاورد اسلامی از تاریخ ایران برداشته شد.

ولی تا به امروز این آیه های شرم آور الهی در قرآن پا برجا و دست نخورده مانده اند تا روزیکه صاحب الزمان از مادرزاده نشده شیعیان از چاه نهانگاه بدر آید و آنرا با کشتار بیرحمانه ای که خون به رکاب مبارک اسبش برسد در حکومت اسلام جهانی خود دوباره به گردن مردم بگذارد.

الا ای جن و انس کدامین نعمتهای خدایتان را انکار میکنید: در آن بهشت هرگونه میوه و خرما و انار بسیار است و نیکو زنان با حسن و جمال که پیش از شوهران دست هیچکس بدان نرسیده. سوره ۵۵ آیه های ۶۹ تا ۷۸

و پسرانی زیبا که حسن و جوانی شان ابدی است گرد آنها به خدمت میگردند با کوزه های بلورین و مشربیه های زرین و جامهای پر از شراب ناب بر آنان دور میزنند و زنان سیه چشم زیبا که در بهار لطافت چون در و لؤلؤ مکنونند بر آنها مهیاست و فرشهای پربها و زنان زیبایی همیشه باکره با غنچ و ناز. سوره ۵۶ آیه های ۱۷ تا ۲۳ و ۳۴ تا ۳۷ و سوره ۷۶ آیه های ۱۵ تا ۱۹ و سوره ۷۸ آیه های ۳۳ و ۳۴ و سوره ۸۳ آیه های ۲۵ تا ۲۷ و دهها آیه دیگر.

آیا سوگند به این عشرتکده شایستگی پای بندی بر عهد و پیمان را دارد و یا خواندن ویژگیهای يك عشرتکده میتواند آمرزنده روان مردگان باشد که گروهی شاید مردمی با فرهنگ چون ایران را به دامی این چنین گرفتار آورده .

۱۴۰۰ سال است برگرده او سوار شده و آنچنان از خود بیگانه نموده اند که ناآگاهانه دشمن پرست گردیده و خودآزار شده اند.

آیا این الله دست پرورده محمد که عشرتکده دار هم هست در خورستایش است یا سرزنش آیا با چنین دستورهایی او خدای راستین است یا اهریمن راستین؟

چه کسی جز آیت الله های سیه دل و تیره روان پرچمدار این ننگ برای مردم با فرهنگ ایران هستند؟

پیام پاکدلانه من بشما دختران و پسران جوان و زنان و مردان هم میهن اینست که از این پس فریب هیچ دستار بند دینی و بی دستار مسلمان بدتر از ملا را نخورید تا بنام دینی این چنین شرم آور دگر باره شما را بدام بیندازند و بگویند اسلام راستین جز اینست. چنین دروغی را نپذیرید.

اسلام يك بن مایه استوار دارد که همین کلام الله است و دگرگون پذیر هم نیست. هیچ آیت الهی هم یارای پس و پیش کردن يك کلمه از آن را ندارد زیرا نانش را از دست میدهد. پس از کلام الله بزرگترین پایگاه ابله پروری اسلام و شیعه گری مسجد و منبر و منبریها هستند که باید همچون زهری کشنده از آنها دوری گزینید.

برای آینده فرزندان خود و میهن بیشتر بیندیشید و بدانید که دیگر آیه های کلام الله هزاران بار بدتر و زشت تر است از آنچه که تا به حال شنیده اید.

برای ایران آینده پشتیبان آن کس و آن آرمانی باشید که شما را به جدائی دین از حکومت و سیاست و آزادی گزینش راه زندگی فرامیخواند. بیاری چنین اندیشه و رانی بشتابید. دست در دست یکدیگر با همبستگی هر چه استوارتر گام بردارید تا بتوانید دست دین و دین داران را از حکومت و سیاست کوتاه کنید. دین و مذهب بهیچ روی نباید دولتی گردد و یا دولتی پشتیبان دین و مذهب ویژه ای باشد. دین و مذهب نباید در شناسنامه کسی نوشته شود یا دستگاهی دولتی بخود پروانه پرسیدن دین و مذهب کسی را بدهد.

اگر آخوندها راست میگویند که نگفته اند و نمیگویند، از خمس و زکات، رد مظالم، ختم قرآن، موقوفات چشم ببوشند و بروند در مسجدها بنشینند و رایگان دین خود را بگوش مردم برسانند. آنگاه همگان خواهند دریافت که ملاها در پی دین سینه میدرانند و یا مفتخوری و سربرار شدن بر مردم؟

در پایان با اینکه پاسداران فرهنگ ایران به هیچ گروه و دسته ای وابسته نیست و با پیشینه بیست سال نبرد فرهنگی در پاریس تنها آرمانش زدودن زنگار اسلام از چهره فرهنگ درخشان ایران بوده است تا بتواند ایرانیان گم گشته در بیابانهای کربلا را به گذشته تاریخ و فرهنگ سرفراز خود آشنا سازد تا آگاهانه شانه از زیر این بار ننگ خالی کنند و والائی از دست داده را باز یابند.

در راستای این آرمان پاک جانباخته بزرگی چون دکتر کورش آریامنش استاد جرم شناسی دانشگاه تهران را در پیشینه نبرد فرهنگی خود دارند که بدستور سران رژیم اشغالگر جمهوری اسلامی در پاریس کشته شد.

۱۵۰۰ سال دربند نگاهداشتن مردم بنام دین و مذهبی این چنین ددمنشانه، نه يك گناه که يك جنایت علیه بشریت است. باید آیت الله ها این نمادهای راستین بت الله تاوان تبهکاریهای نابخشودنی خود را بدهند تا دیگر هیچ پشت به میهنی به خودپروانه ندهد در پوشاک دین اسلام تیشه بر ریشه فرهنگ مردمی ما بزند. در پیشینه زندگی آخوند در ایران جز این دیده نمیشود.

با ارج فراوان پاینده ایران برافراشته باد درفش کاویائی سرخ و زرد و بنفش

آله دال فك

پاریس

ناهدشید ۱۹ اردیبهشت ماه / ۲۷۱۱

نهم ماه می ۲۰۰۳